



چهارشنبه ۱۷ جون ۲۰۲۰

فارو



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون  
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

## اعلامیه

### مردم افغانستان چه نوع صلحی می خواهند...؟؟

۱۶ جون ۲۰۲۰

فارو متکی به بند "ه" ماده دوم اساسنامه اش به حیث یک تشکیل مدنی، اجتماعی و حامی حقوق بشر، انعکاس دهنده آرمان ها و نگاه های اکثریت افغان های مقیم اروپا و پناهنده گان افغان این قاره، وظیفه خود میدانند در امر داعیه صلح در وطن ما افغانستان عزیز، بعد از مشوره با و نظرخواهی از هموطنان از طریق انجمن های عضو خویش، موقف و نظر آنان را با این اعلامیه ابراز و ابلاغ بدارد:

مردم افغانستان که از ۴۱ سال به این سو متحمل آسیب های شدید جنگ های داخلی، نیابتی و بی ثباتی همه جانبه گردیده و تشنه صلح و آرامش اند، طی یکسال اخیر در بیم و امید نگهداشته شده اند؛ امید به صلح با عزت و عادلانه و بیم از بازگشت دوره هائی که تاریک و ضد مدنیت انسانی کنونی خواهند بود، این حالت پیچیده و مبهم، افغان های با بصیرت را ناگزیر ساخته است، تا نوعیت صلحی را که می خواهند، روشن و مشخص نمایند.

وضع و حالتی که ما را به این اندیشه واداشته است شامل عناصر آتی است:

موافقتنامه طالب محور میان دولت ایالات متحده امریکا و تحریک طالبان که در دوحه به امضاء رسیده است، به سبب دور نگهداشتن عمدی دولت افغانستان، به عنوان نمایندگی، حاکمیت کشور، حق تعیین سرنوشت مردم ما را در انتخاب و نوعیت صلح مورد بحث، صریحاً نادیده گرفته است، دولت افغانستان تعهداتی را که با مردم نموده بود هم بنابر اسبابی قادر نگردیده است ایفا نماید.

تحریک طالبان نیز چشم های خود را در برابر تحولات افغانستان و جهان - که طی تقریباً دو دهه اخیر پدید آمده است - بسته و با هر دو دست به نام "امارت اسلامی" چسبیده و رویای احیای آن را درس می پروراند. و آنطور

که توقع است و امریکایی ها تصور اجرای صادقانه ای آنرا از سوی طالبان دارند، بنابر اطلاعات و اخبار مستند و مؤثق، از جانب طالبان عملی نگردیده است و آن؛ رابطه عمیق و مستحکم طالبان با شبکه القاعده و حتی بعضی از شاخه های داعش و وابستگی آنان را به دستگاه های استخباراتی بعضی از کشور های منطقه تثبیت و مشهود می سازد و این خود مبین آن است که تحریک طالبان از صلح به حیث یک تاکتیک دستیابی به حاکمیت، بهره می جویند نه آنکه به صلح به حیث یک داعیه انسانی، مقدس و ملی باورمند باشند، حتی این تحریک در عملیات ضد انسانی خویش در حمله به زایشگاه دشت برچی و کشتن مادران حین وضع حمل و نوزادان و انفجار مساجد وزیر اکبر خان و شیرشاه سوری و کشتار هموطنان مسلمان ما حین ادای عبادت خالق لایزال، دریغ نکردند، حتی شبکه سراج الدین حقانی معاون آن تحریک صراحت داده است که بعد از انعقاد توافق نامه و توافق بین الافغانی باز هم به جهاد خویش ادامه خواهند داد، در حال حاضر این "جهاد...!!" علیه عساکر امریکایی نه، بلکه بر ضد اولاد وطن در قوای مسلح کشور و افراد ملکی، استقامت داده شده است. طالبان طی یک هفته در ماه جون امسال بیش از ۲۰۰ عملیات جنگی در سرتاسر کشور انجام داده اند.

این موقف گیری های عملی و اظهارات صریح طالبان خود ماهیت صلحی را که در ذهن آنان است، به خوبی وضاحت میدهد. اسناد ملل متحد و اخبار مؤثق مؤید این حقایق اند، مسکوت گذاشتن موضوع قطع رزق، تولید، پروسس و قاچاق مواد مخدر درتوافقتنامه دوحه و توقع ضمنی امریکا از طالبان که خود به حل این مشکل بپردازند نیز یک آرزوی غیر واقعی و غیر عملی می باشد، زیرا این کسب و کار، منبع مهم تمویل طالبان شمرده می شود. بناءً با حضور و اختیار بر این امکانات، از سوی طالبان نمی شود، صلحی مطلوب را مفروض نمود. به علاوه بیش از ۲۰ گروه دیگر تروریستی در گوشه و کنار افغانستان برای اهداف ایدئولوژیک شان مشغول حملات نظامی و تروریستی اند که هر یک از این گروه ها سد و خطری در برابر صلح در کشور شمرده می شوند.

مبرهن است که متحد بین المللی دولت افغانستان – ایالات متحده امریکا، بالخصوص پریزدنت دونالد ترامپ – با نیتی که از تحقق "صلح" در کشور ما دارد، هنوز هم این صلح را از تعریف و ماهیت اصلی آن به دور می برد، چه مقصد از "فعالیت برای صلح و پایان کار امریکا در افغانستان" به حیث یک شعار انتخاباتی برای کامپاین مطمع نظر است، نه آنکه خیر مردم این قطعه جغرافیایی از آن در نظر گرفته شده باشد.

دول منطقه ما مانند پاکستان، ایران، روسیه، چین و هند نیز با درنظرداشت، استراتژی های شان و نیز منافع قریب و بعید آنها، بر ماهیت صلح و ثبات در مملکت ما مستقیماً اثرگذار اند. مخصوصاً پاکستان که در طی همین چهل سال جنگی در کشور ما نقش مدیر حوادث نظامی، ایدئولوژیک و سیاسی را داشته است، رول این کشور را در قضایای خونین وطن ما خیلی ها بارز و مشهود نشان میدهد، چنین حس می شود که پاکستانی ها تا تحقق نیات و مقاصد شان در افغانستان، خواهان صلح و ثبات در این کشور نیستند.

جمهوری اسلامی ایران نیز، طالبان – اعم از طالب سنی و شیعه – را تمویل، تجهیز و تحریک میکند تا با اختلال مهیب زندگی صلح آمیز در کشور ما، برای دشمنش - امریکا - در منطقه، درد سر ایجاد کند. همچنان تخمین میگردد که باز گشت فاطمیون افغان الاصل - که توسط دولت ایران سازمان داده شده بودند، از جبهات سوریه به افغانستان، می تواند برای یک صلح مطلوب، خطر جدی محسوب گردد.

این جهت موضوع نیز قابل تذکر جدی است که بعضی از دول منطقه بنابر منافع شان - حال به دلیل و بهانه وجوه تشابه مذهبی و... - در میان عده ای قلیلی از سیاسیون داخلی ما هواخواهانی دست و پا کرده اند و نیز میراث دوران عروج تنظیمی ها باعث آن گردیده تا این دسته بندی های نامتجانس، در تهیه و انسجام یک استراتژی صلح و سیاست واحد ملی برای تحقق صلح در کشور به یک مانع درونی و داخلی در نظر گرفته شود.

به این صورت وطن ما افغانستان، در شرایط سخت و دشوار در راه تحقق صلح قرار دارد که می توان نام موانع، تنگنا ها و سد های کثیر البعدی را به این وضعیت به کار برد. این وضعیت به افغان ها خاطر نشان می سازد که صلحی را که خواهان اند باید خیلی دقیق و همه جانبه مشخص نمایند.

نمی شود با افاده تحقق صلح به هر نوع صلح بی پایه، گذرا و اغواگرانه تن داد، «صلح منفی Negative Peace»: که صرف با افاده "پایان و ختم عملیات نظامی" معرفی شده و سرنوشت بعدی ناشی از اجرای آنرا پیش بینی نکرده باشد، درد وطن و مردم ما را دوا نمی کند.

افغانستان نیازمند و خواهان تعهد، اجرا و تحقق یک «صلح مثبت Positive Peace» می باشد؛ صلحی که با دقت عوامل ناامنی و حالت جنگی را معرفی میکند و آنها را در حالت صلح غیرفعال میگرداند و نیز تمام حالت بعد از تحقق صلح را پیش بینی و نوعی عملکرد آنها را مشخص و برنامه ریزی می نماید، این صلح مثبت باید خیلی ظریفانه و دور اندیشانه تعریف و سجل گردد.

با در نظر داشت عوامل جنگ آفرین و مختل کننده صلح که در بالا ردیف گردید، فارو موارد آتی را برای تحقق یک صلح مثبت و واقعی پیشنهاد می نماید که می شود در کنار سایر موارد و تدابیر برای تحقق یک صلح مطمئن و پایه دار از این پیشنهادات نیز استفاده گردد:

- حفظ نظام قانون اساسی موجود، تمام حقوق بشری، انسانی و امتیازاتی که میثاق های تعهد شده بین المللی به اتباع افغانستان به حیث انسان به رسمیت شناخته است، شامل حقوق زنان و برابری کامل زن و مرد، تشکل و تعیین کدر های دولت از طریق دموکراتیک و انتخابی، حق آزادی بیان، آزادی تحصیل برای همه گان، اجرا و تعمیل امور اداره دولت بر اساس قوانین موضوعه استاندارد بین المللی مبتنی بر رعایت کامل حقوق بشر تضمین گردد.

- تعدیل قانون اساسی فقط در مواردی مجاز باشد که به حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، دولت واحد و خطوط اساسی مندرج در پراگراف بالا صدمه نه زند.

- دولت افغانستان متعهد به رعایت تمام ضوابط بین المللی میباشد که به حق حاکمیت ملی آن خدشه ای وارد نکند.

- تعقیب متهمین به جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایات جینوساید و سایر جرایم ملی و بین المللی که در اساسنامه محکمه جزائی بین المللی تعریف گردیده، در فهرست کار طراحان صلح درج باشد چون تحقق و اجرای عدالت یکی از عناصر مهم استحکام صلح شمرده خواهد شد.

- تعهد ضمانت شده طالبان در قطع کامل عملیات جنگی و چریکی و نیز قطع کامل مناسبات این گروه با سایر گروه های مسلح افراطی، پیش شرط این ضمانت ها شمرده خواهد شد.

- حذف و محو فساد اداری، امحای فعالیت های غیر قانونی و زورگویی در داخل نظام و برون از آن، توانائی نظام در حل معضلاتش را ارتقا میدهد و برای نظام بیشتر قابلیت آنرا فراهم و مساعد می سازد تا از اجرا، استحکام و مواظبت از صلح متعهدانه حفاظت کند.
- مطابق به نص و مواد واضح منشور ملل متحد، در قبولی و رد و مشخص نمودن ماهیت صلح و شرایطی که در آن ردیف شوند، مردم افغانستان صلاحیت کامل دارند تا «حق شان در تعیین سرنوشت آنان» در نظر گرفته شده و اجرایی گردد.
- از دولت پاکستان ضمانت قابل اعتبار و گزرتی شده، اخذ گردد، که این دولت دگر در امور وطن ما مداخله مستقیم و غیر مستقیم نمی نماید و به حضور هیأت های بین المللی، مراکز تربیت و تعلیم عناصر مسلح مخالف افغانستان، در خاک آن کشور تعطیل و غیر فعال ساخته شود.
- اعضای دائمی شورای امنیت ملل متحد - حین ثبت قرارداد صلح در آن سازمان - کنترول، مواظبت از اجرای دقیق و صادقانه آنرا از سوی جوانب ذیدخل ضمانت کند.
- دولت پاکستان متعهد شود تا منافع مشروع و منطبق به اصول بین المللی مربوط افغانستان را رعایت بنماید و نیز علیه افغانستان هیچ تعهد نظامی با کدام کشور دیگر منعقد نه نماید و نیز از خاک این کشور جهت تهدید و صدمه نظامی و فزیکتی به افغانستان به هیچ دولتی اجازه نه دهد. متقابلاً دولت افغانستان عین تعهد را در مورد پاکستان بپذیرد.
- دولت ایران نیز ضمانت عدم مداخله و عدم تحریک عناصر مسلح و غیر مسلح، علیه افغانستان را بر عهده گیرد که دولت افغانستان نیز چنین عهده را در برابر دولت ایران عهده دار خواهد شد.
- ما افغانهای داخل و خارج از کشور وجیبه داریم که جهت تغییر سرنوشت وطن، برای دهه های پیشرو، با شکستن سکوت و انتظار، به هر طریقه ای، در برابر پالیسی های خلاف منافع ملی، منافی حقوق مدنی، سیاسی مردم ما - از هر جهتی که باشد - در دفاع از منافع افغانستان و مردم آن سهم خود را ایفا نمائیم.
- فعالین اجتماعی و مدنی در صحن کار زار، قبل از آنکه این آخرین فرصت از دست برود خواسته های اساسی وطن و مردم ما را فهرست و مطرح نموده و در دفاع از حقوق همگان فعالانه سهم خویش را ادا نمایند.

به امید صلح پایدار و واقعی در افغانستان  
ومن الله التوفیق